

شناخت آلات موسیقی اصیل افغانستان: بخش دوم

موسیقی با رگ و پود هستی آمیزش یافته و هرگز نمی‌توان آن را از جسم و جان موجودات عالم بویژه انسان جدا کرد. نغمه آبشاران، نجوای پنهان و آشکار طبیعت، نوای دلنشین پرندگان و آواز مستانه ساز نوازندگان در ژرفای دل آدم نفوذ می‌کنند و به انسان شور، تپش، انرژی اسرارآمیز حیات و دل‌زندگی جاودانه می‌بخشند. کسانی که موسیقی را درک و احساس کرده نمی‌توانند صخره‌سنگ‌هایی را مانند که از ظرافت‌ها و نازکی‌های عاطفه و احساس زندگان بی‌بهره اند. افراطیون کوردل و ظالم هرچند تلاش می‌ورزند تا موسیقی را از فرهنگ و مدنیت ما دور کنند؛ اما هرگز موفق نمی‌شوند؛ زیرا انسان به دون احساس، عاطفه و ذوق هنری جسم مرده و بری از تپندگی و تر و تازگی خواهد بود.

در خراسان‌زمین (افغانستان کنونی) موسیقی با تاریخ، فرهنگ و تمدن ما چونان آمیزش یافته که به روح زنده، بالنده و مستانه زندگی تبدیل شده و در تمام عرصه‌های حیات نفوذ کرده است. در درازنای تاریخ در این قلمرو کهن آلات موسیقی بسیار متنوعی ساخته شده است که استادان فن آن‌ها را در بزم‌های شاهانه، حلقه‌های عارفانه و مجالس مردمی می‌نواختند. در سده‌های اخیر خاصه در قرن جاری به سبب فرهنگ ستیزی، تعصب و نا آگاهی حاکمان وقت بسیاری از ارزش‌های فرهنگی، تمدنی و هنری ما در لابلای گرد و غبار فراموشی دفن شده و یا همسایگان ما آن‌ها را در لیست میراث تاریخی، فرهنگی و هنری خویش ثبت کرده اند.

افغانستان کنونی به مثابه قلب مرکزی خراسان بزرگ در درازنای تاریخ همواره خاستگاه و پرورشگاه موسیقی و ساخت آلات موسیقی بوده است؛ اما در معرفی آن پژوهشگران و قلمبستان ما کار لازم علمی و تحقیقاتی نکرده اند. با درک این ضعف و خالیگاه با وجود مصروفیت‌های مطالعاتی، پژوهشی و فرهنگی‌ام، تلاش ورزیدم تا در معرفی آلات موسیقی اصیل این قلمرو گامی ابتدایی بردارم تا سپس اشخاص مسلکی و کارشناسان موسیقی کشور آن را به مرحله کمال برسانند. پیش از همه از کم و کاستی‌های این نیشته پوزش می‌خواهم. در زیر آلات موسیقی معرفی شده است.

دوتار هراتی

دوتار آله موسیقی تار است که از چوب توت ساخته شده، طول آن یک متر و سی سانتی بوده و با ناخنک نواخته می‌شود. این آله موسیقی که در ابتدا دو تار روده‌ای داشته با تغییراتی که در طول زمان در آن به وجود آمده، اکنون یک تار اصلی، سیزده تار فرعی و نوزده پرده دارد و بیشتر در قسمت‌های غرب و شمال غرب افغانستان رایج است. دوتارنوازان معروف عبارتند از: محمد کریم هروی، میرضی‌الحق حسینی، غلام حیدر هروی، گدا محمد هروی، غلام سخی هروی و غیره. مشهورترین آنان محمد کریم هروی است.

گدامحمد دوتارنواز هراتی



دوتار ازبکی

دوتار ازبکی که از چوب توت ساخته می‌شود از دنبوره بزرگ‌تر است و از نظر طول با تنبور برابر می‌باشد؛ اما از آن نازک‌تر و کم‌عرض‌تر است. برای این که این آلهٔ موسیقی زیباتر و قشنگ‌تر به نظر آید، اشکال مختلف هندسی از قبیل دایره، مستطیل و مربع را از استخوان تراشیده و روی کاسه آن نصب می‌کنند. باید گفت که تزئینات و صدفکاری‌ها بر روی آلات موسیقی از قدیم در سرزمین ما راج داشته است.



شهرشیرگان

تارهای دو تار ازبکی را از ابریشم خالص می‌سازند؛ زیرا بر اثر تماس پی‌هم ناخنک‌ها زود فرسوده نمی‌شوند و از تار روده‌ای مقاومت بیشتری دارند. تقریباً همه خواننده‌های پارسی زبان ما دوتار نواز و یا دنبوره نوازهای خوبی هستند و این هنر باستانی را تاکنون در دل دره‌ها، کوهپایه‌ها و شهرهای وطن زنده نگهداشته اند؛ اما هنرمندی که به عنوان استاد این ساز در میان مردم بیشتر معروف شده است؛ استاد ضیاء خواجه منصوری نام دارد.

دو تار ترکمنی

دوتار اصیل ترکمنی که آن را از چوب توت می‌سازند، از جهات مختلف با دوتار ازبکی شباهت هایی دارد. در گذشته تارهای آن مثل دوتار ازبکی از ابریشم ساخته می‌شد؛ اما حالا دوتار، تارهای فلزی داشته دارای

چهارده پرده است. تقریباً همه آوازخوانان معروف ترکمن، نوازندگان دوتار ترکمنی نیز هستند که معروفترین آنها استاد احمد بخش است.



چهار تار

یکی از آلات موسیقی اصیل ولایت هرات است که تا حدود سی الی چهل سال قبل نه تنها توسط نوازندگان شوقی و حرفه‌ای هرات نواخته می‌شد؛ بلکه در نخستین ارکستر رادیو کابل وقت نیز موجود بود که مرحوم لاله رحیم آن را می‌نواخت. این آله موسیقی از لحاظ صدا و سیمای خویش با سایر آلات موسیقی محلی کشور تفاوت‌های زیادی دارد. با تأسف باید گفت اکنون جای چهارتار در حلقه‌های هنری کشور خالی است. این ساز به نام‌های تار، چهارتار و شش‌تار هم یاد شده است.

در باره ساز تار که در خراسان‌زمین و ایران پیشینه زیادی دارد و یکی از سازهای کهن افغانستان هم محسوب شود، پژوهش‌های بیشتری شده است. می‌دانیم که افغانستان (خاصه ولایت باستانی هرات) قلب خراسان بوده است و در درازنای تاریخ با ایرانشهر غربی پیوندهای تاریخی، فرهنگی و هنری تنگاتنگی داشته است. آلات موسیقی هم در طول تاریخ در بین ایرانشهر شرقی و ایرانشهر غربی مشترک بوده و از خراسان به کشورهای پیرامون می‌رفته است. در مورد چهارتار معلومات لازم به دست آورده نتوانستم و عکسی از آن نیافتم. اگر به راستی چهارتار را در قدیم تار می‌نامیدند؛ در زیر عکس ساز تار را آورده ام و توضیحات بیشتری در مورد ساز تار ارائه شده است.



تار(چهارتار و شش‌تار هم نامیده شده است)

تار

تار در لغت فارسی به معنی زه، سیم و از لحاظ سازشناسی از گروه سازهای زهی مضرابی است. به قولی، تار از زمان فارابی(حدود سال ۲۶۰ - سال ۳۲۹ هجری) در خراسان زمین وجود داشته و بعد از وی توسط صفی الدین ارموی و دیگران به حد کمال رسیده است.

کاسه تار بیشتر از کنده خشک و کهنه چوب توت ساخته می‌شود. هرچه این چوب کهنه‌تر باشد به دلیل خشک بودن تارها بر آن چوب دارای صدای بهتری خواهند بود. پرده‌ها از جنس روده گوسفند و دسته و پنجه معمولاً از چوب جوز(گردو) تهیه می‌شوند؛ چون چوب جوز سخت و محکم است. شکل کاسه تار مانند دو دل به هم چسبیده و از پشت شبیه به انسان نشسته‌ای است. قسمت بزرگ جعبه صدا را کاسه و حصه کوچک‌تر را نقاره گویند.

تار شش سیم فلزی دارد؛ پنج تار آن از فولاد و پایین آن از برنج می‌باشد. پرده در واقع علامتی است روی دسته سازهای زهی که جای انگشتان را هنگام نواختن ساز مشخص می‌کند. هر پرده را با پیچیدن رشته‌هایی از جنس روده گوسفند به دور دسته از پرده دیگر مشخص می‌کنند. سرپنجه در انتهای دسته قرار دارد. سرپنجه جایی است که گوشه‌ها را در آن کار می‌گذارند. انتهای هر سیم به دور یک گوشه پیچیده می‌شود. نوازندگان به وسیله گوشه‌ها صدای سیم‌ها را تنظیم می‌کنند. جنس خرک از شاخ بز کوهی است. در دو طرف دسته از استخوان شتر استفاده می‌شود.

از لحاظی ساز تار به سه‌تار نزدیک است. از لحاظ شیوه نوازندگی زخمه عادی در تار به صورت راست (از بالا به پایین) است؛ ولی در سه‌تار بالعکس است (از پایین به بالا). همچنین از نظر تعداد پرده‌ها نیز با هم شباهت دارند. صدای تار به دلیل وجود پوستی که روی آن است از شفافیت خاصی برخوردار است؛ این پوست معمولاً پوست جنین گاو می‌باشد. ولی از پوست ماهی نیز می‌توان استفاده کرد. مثل این که همین تار را در روزگار قدیم به نام‌های چهارتار و شش‌تار هم یاد می‌کرده‌اند. بابا طاهر در باره تار چنین سروده است که با تارنوازی دختر میناتوری شده عکس فضای شاعرانه‌ی ایجاد می‌کند.

دلی دارم چو مرغ پا شکسته چو کشتی بر لب دریا نشسته

همه گویند طاهر تار بنواز صدا چون می‌دهد تار شکسته



زنی در حال نواختن تار

سه تار

سه تار سازی است که به حجم و طول و عرض دنبوره ساخته می شود و به دو نوع است؛ یکی سه تار از یکی و دیگری سه تار پشه ای است. که اولی دارای سه تار فولادی است و دومی پنج تار فلزی دارد. سه تار صدای زیبا و دلنشینی داشته ولی متاسفانه در این زمانه ها از خاطره ها تا حدودی فراموش شده و گردش گردون جای آن را در حلقه های هنری کشور خالی نگه داشته است. یگانه نوازنده معروف سه تار از یکی سعدالله آغای کندوزی بوده است.

سه تار در اصل ساز کهن خراسانی است که از روزگاران قدیم در ایران غربی و خراسان مشهور بوده است. همچنان سه تار خراسانی اصیل در هرات نیز نواخته می شده است و استادان سه تار نواز هروی تا همین قرن جاری مشهور بوده اند؛ لیکن حالا در هرات به آن هیچ توجه نمی شود.



ادامه دارد